

نقشبندی در حمایت از بیجه سقا داشتند، نمی‌توان آن را قیامی کاملاً خودجوش به حساب آورد (ایرانیکا، همانجا).

منابع: انجمن دائرةالمعارف افغانستان، آریانا دائرةالمعارف، کابل ۱۳۲۸-۱۳۲۸ ش؛ غلام‌محمد غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، تهران ۱۳۶۸ ش؛ مهدی فرخ، تاریخ سیاسی افغانستان، ج ۱، قم ۱۳۷۱ ش؛ همو، کرسی‌نشینان کابل، چاپ محمد آصف فکرت، تهران ۱۳۷۰ ش؛ نجیب مایل هروی، تاریخ و زبان در افغانستان، تهران ۱۳۶۲ ش؛ *Encyclopaedia Iranica*, s.v. "Baḥḥa-ye Saqqā" (by D. Balland).

/ محمداسماعیل رضوانی /

بحارالانوار (یا بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار)، از بزرگترین و نامورترین جوامع حدیثی شیعه به زبان عربی، تألیف محمدباقر مجلسی، دانشمند نامی قرن یازدهم (۱۰۳۷-۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱). این کتاب دایرةالمعارف مانند، به سبب ذکر مستند بیشتر روایتهای منقول از ائمه شیعه علیهم‌السلام، تبویب نسبتاً کامل موضوعات، شرح و بیان بسیاری از روایات، تحقیقات گوناگون کلامی، تاریخی، فقهی، تفسیری، اخلاقی، حدیثی و لغوی مؤلف، و نیز اعتبار علمی وی، همواره مقامی والا داشته است؛ چنانکه برغم حجم زیادش، از همان روزگار تألیف، نسخه‌های خطی بسیاری از آن نوشته شده و از اواخر قرن سیزدهم، با رواج صنعت چاپ، همه یا بخشهایی از آن بارها به چاپ رسیده است. همچنین دانشمندانی چند به ترجمه یا تلخیص برخی از مجلدات آن همت گماشته یا مستدرک و فهرست برای آن پرداخته‌اند یا در نقد و ایضاح آرای مؤلف، حواشی نگاشته‌اند، همچنانکه درباره خود کتاب نیز نکاتی را مطرح کرده‌اند.

۱) سبب و چگونگی تألیف. مؤلف در مقدمه کتاب (ج ۱، ص ۲-۵) می‌نویسد که بعد از سپری کردن بخشی از عمر در آموختن دانشهای گوناگون و اندیشیدن به ثمرات و غایات این دانشها دریافته است که زلال علم فقط از چشمه روشن وحی و الهام حاصل می‌شود و در آخرت تنها این علم سودمند است، هرچند در ظاهر رونقی نداشته باشد. ازینرو پژوهش در اخبار و روایات مأثور از ائمه اطهار علیهم‌السلام را برگزیده است. بدین منظور، نخست کتابهای حدیثی متداول و مشهور شیعی را بدقت خوانده، سپس به جستجوی اصول معتبر حدیثی پرداخته که به عللی -از جمله موانع سیاسی، و عدم اهتمام به استنساخ و نگاهداری آنها به علت شمول و شهرت جوامع حدیثی متأخر- مهجور مانده و چه بسا بیشتر نسخه‌های آنها از بین رفته است. او با گسیل کردن کسانی به بلاد اسلامی، به

جدیّت تمام، به گردآوری منابع حدیثی اولیه کوشیده و در این راه، با مشکلاتی روبرو بوده است؛ از جمله بخل‌ورزی برخی از صاحبان نسخ که به آن اشاره کرده است. با اینهمه، با پشتکار مجلسی و همکاری گروهی از فضلا، چون مولی عبدالله افندی* و مولی ذوالفقار اصفهانی (حسینی، ص ۲۴) و مولی عبدالله بحرانی (خوانساری، ج ۴، ص ۲۵۴)، بسیاری از اصول و مآخذ معتبر، که در روزگاران پیشین محلّ مراجعه دانشمندان بوده، فراهم آمده است. مجلسی، به چند سبب، برآن شده است که همه اخبار و احادیث و موضوعات منابع نویافته را در مجموعه‌ای موضوعی گردآوری و تدوین کند؛ یکی اشتغال این منابع بر فوایدی که در کتابهای رایج آن زمان یافت نمی‌شده است و فقط برخی از آنها در بابهای مختلف پراکنده بوده و این پراکندگی احاطه بر همه اخبار ناظر بر یک موضوع را غالباً ناممکن می‌ساخته است. دیگر اینکه مجلسی نگران بوده است که مبدا نسخه‌های موجود بار دیگر از میان برود یا پراکنده و فراموش شود. او پیش از تألیف بحار، برای ده کتاب حدیثی شیعه -که نظم موضوعی ندارد (مانند خصال و معانی الاخبار صدوق و قرب‌الاسناد حمیری)- فهرست موضوعی تهیه کرده بود (در ۱۰۷۰) تا طالبان علوم دینی به آسانی از اخبار دایر بر هر موضوع و مآخذ آنها و نیز مستند بسیاری از اقوال و فتاوی عالمان گذشته آگاه شوند تا گمان نرود که آنان به قیاس روی آورده بوده‌اند. مؤلف در برخی از اجازات خود به این فهرست اشاره کرده و آقابزرگ طهرانی نیز نسخه‌ای از آن را دیده است (ج ۱۶، ص ۳۷۷-۳۷۸، ش ۱۷۵۲؛ نسخه‌ای دیگر نیز به خط مؤلف در دست است که چاپ عکسی آن در چاپ جدید بحار، ج ۱۰۳ یا ۱۰۶، آمده است؛ در این مقاله همه جا به همین چاپ ارجاع می‌شود). هرچند مؤلف در مقدمه این فهرست یادآوری می‌کند که با تألیف بحار نیاز به آن متفی شده، باز می‌توان آن را طرح مقدّماتی بحار دانست. البته بین دو کتاب، پاره‌ای اختلافهای موضوعی وجود دارد.

طرح اولیه بحار، آنگونه که مؤلف در نظر داشته، در ۲۵ مجلد بوده، ولی چون او مجلد پانزدهم را با در نظر گرفتن حجم به دو مجلد تقسیم کرده، این اثر ۲۶ مجلد شده است که هر کدام به یک موضوع اصلی اختصاص دارد و شامل چندین باب است. بیشتر موضوعات تقسیمات فرعی نیز دارند. در این کتاب، برخی عناوین هست که در کتب حدیثی پیش از بحار به صورت مستقل وجود نداشته و مؤلف آنها را از امتیازات تألیف خود شمرده است؛ مانند «کتاب العدل و المعاد»، «کتاب السماء و العالم»، تاریخ انبیا و ائمه علیهم‌السلام. مؤلف هر باب را با آیاتی از قرآن کریم -که صریحاً یا به مدد قرائن گوناگون تاریخی، حدیثی و تفسیری با موضوع تناسب دارد- آغاز کرده، سپس

نقل کرده که مولیٰ عبدالله افندی مجلّدات آخر را بعد از وفات مجلسی از روی نسخهٔ مسوّدهٔ او نوشته است. نوری نیز قرینه‌ای بر صحت این ادّعا آورده است (الفیض القدسی، ص ۴۵-۴۶). نسخه‌ای از مجلّد شانزدهم («الآداب و السنن»، بنابر تقسیم اولیهٔ کتاب) بعد از چاپهای آغازین کتاب در اوایل قرن چهاردهم به همت میرزا محمد طهرانی، پیدا شده که کتابت آن در زمان مؤلف، یا با فاصلهٔ کمی از زمان او، انجام گرفته است (آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۲۳؛ مصحح چاپ جدید بحار این نسخه را نیز ناقص می‌داند - مقدمهٔ ج ۷۶). چون مؤلف، دو کتاب «المزار» و «الصلاة» را مطابق تقسیم اولیهٔ خود شماره کرده بود، رقم شانزده تکرار، و شمارهٔ مجلّدات بعد از ۲۲ نیز، گاهی به ترتیب قدیم و گاهی به ترتیب واقعی، مشخص شده است (مثلاً حُرّعاملی، در امل‌الآمل، ج ۲، ص ۲۴۸، همان ترتیب اولیه را ذکر کرده است).

مجلسی هرچند در تألیف بحار - در نیمهٔ دوم عمر و بعد از تکمیل مدارج علمی و تألیف بیشتر کتابهایش - از همکاری بعضی فضلاء و حمایت مالی حکومت صفوی و تسهیلات و امکانات در گردآوری منابع (جزایری، ص ۱۹۷-۱۹۸، به نقل از سید نعمه‌الله جزایری) برخوردار بود، به شهادت نسخه‌های موجود و قوانین دیگر، کار اصلی را شخصاً انجام می‌داد. یافتن آیات مناسب هر باب، نوشتن تفسیر آنها، انتخاب شایستهٔ روایات و شرح آنها را به تنهایی انجام می‌داد و فقط چند نفر، که برخی از آنها ناشناخته‌اند در نقل احادیث بلند یا قطعاتی از ادعیه یا استنساخ چند رساله و قسمتهای برخی از کتب، به او کمک می‌کردند (نوری، الفیض القدسی، ص ۳۰-۳۴، نامهٔ مولیٰ

اقوال مفسران (غالباً امین‌الاسلام طبرسی و امام فخررازی) را در حد لزوم نقل کرده و آنگاه احادیث ناظر بر هر عنوان را با ذکر سند، به ترتیب شماره، آورده است. گاه فقط بخشی از یک حدیث را نقل کرده و کامل آن را در بابی مناسبتر آورده است. در این گونه نقلها، گاه به محل اصلی نقل حدیث در بحار اشاره کرده و همچنین، در صورت لزوم، برای تبیین معنای حدیث توضیحاتی داده است (- ادامهٔ مقاله). مؤلف دوطرح دیگر نیز برای تکمیل کار خود در نظر داشته است که نتوانسته به انجام برساند (همانطور که نتوانست بحار را به اتمام نهایی برساند): الف) نوشتن شرحی کامل و ابتکاری بر کتاب؛ ب) تهیهٔ «مستدرک البحار». او در این باره می‌گوید که به عللی، روایات شماری از منابع به دست آمده را کامل نقل نکرده است؛ و نیز چون ممکن است در آینده شمار دیگری از کتب قدیم یافت شود و الحاق آنها به کتاب سبب آشفتگی و اختلاف نسخه‌های موجود می‌شود، تدوین مستدرک برای کتاب مرجع است (ج ۱، ص ۴۶).

با توجه به فهرست یادشده، آغاز تألیف بحار بعد از ۱۰۷۰ بوده و، به ظن قوی، تدوین نهایی مجلّدات آن بعد از ۱۰۷۵، و نه به ترتیب صورت گرفته است؛ مثلاً (به تصریح خود مؤلف در پایان مجلّدات) مجلّدهای دوم، پنجم، یازدهم و دوازدهم را در ۱۰۷۷، سیزدهم را در ۱۰۷۸، نهم و دهم را در ۱۰۷۹، سوم و چهارم را در ۱۰۸۰، هفتم را در ۱۰۸۶ و هشتم را در ۱۰۹۰ به پایان برده است (قس نوری، الفیض القدسی، ص ۴۰). کتاب «المزار» (مجلّد ۲۲) را در ۱۰۸۱ در سفر حج تدوین کرده، کتاب «الصلاة» (مجلّد ۱۸) در ۱۰۹۴ و ۱۰۹۷ ننوشته، و کتاب «السماء والعالم» (مجلّد ۱۴) را در ۱۱۰۴ تألیف کرده است. به نوشتهٔ نوری، از مجلّد پانزدهم (پانزدهم و شانزدهم بعدی) تا پایان کتاب (جز مجلّدهای ۱۸ و ۲۲)، در زمان مؤلف از صورت مسوّده خارج نشده و مؤلف فقط بر مقدار کمی از اخبار مجلّدات پانزدهم و شانزدهم شرح نوشته است (الفیض القدسی، ص ۴۴). با اینهمه خود او از خوانساری (ج ۲، ص ۸۵) و او از میرمحمد صالح خاتون‌آبادی داماد مجلسی (در حقائق‌المقربین) نقل کرده است که فقط هشت مجلّد بحار به صورت مسوّده و بدون بیان و توضیح باقی مانده و مؤلف به اتمام آن وصیت کرده بود (الفیض القدسی، ص ۲۷-۲۸). و از او نقل کرده که تعداد سطور مجلّدات پاک‌نویس شده نزدیک به ۷۰۰٬۰۰۰ است که این رقم با احتساب شمارهٔ سطرهای دو مجلّد پانزدهم و شانزدهم («الایمان و الکفر»، «العشرة») درست است. نوری (الفیض القدسی، ص ۳۷-۴۴) و آقابزرگ طهرانی (ذیل «بحار»)، تعداد ابواب و شمارهٔ سطرهای هر مجلّد را نوشته‌اند. سید عبدالله جزایری (ص ۸۴) از سید نصرالله حائری



کتابخانه ایت‌الله مرعشی
صفحهٔ آغاز بحار الانوار به خط علامه مجلسی

عبدالله افندی - یا مولیٰ ذوالفقار به نوشته حسینی، ص ۲۴ - به مؤلف، ج ۱۰۶، ص ۱۶۸؛ جزایری، ص ۷۳. نوری (الفیض القدسی، ص ۳۰) در اشاره به همین امر و انتقاد از کسانی که بر مجلسی، به خاطر مددگیری از دیگران، خرده گرفته و چه بسا تألیف بحارالانوار را فقط کار او نمی دانسته اند، یادآوری می کند که اینگونه کمکها صرفاً جنبی بوده است؛ همچنانکه در تألیف یک اثر فقهی از کتابهای چهارگانه حدیث بهره جویی می شود، اما مؤلف آن اثر همان کسی است که کتاب را پدید می آورد. در عین حال بحار نمونه ارزنده ای از کارگروهی نظارت و هدایت شده است که، با توجه به تاریخ تألیف آن، اقدامی ابتکاری و مهم به شمار می رود.

۲) عناوین موضوعات و شماره بابها به ترتیب مجلّات. کتاب «العقل والعلم والجهل» ۴۰ باب؛ کتاب «التوحید» ۳۱ باب؛ کتاب «العدل والمعاد» ۹۵ باب؛ کتاب «الاحتجاجات والمناظرات» ۸۳ باب (شامل احتجاجات قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام و اصحاب ایشان و برخی علمای امامیه در دوران غیبت، در برابر کفار و مشرکان و مخالفان)؛ کتاب «قصص الانبیاء» ۸۳ باب؛ کتاب «تاریخ نبیّنا و احواله» ۷۲ باب؛ کتاب «الامامة» ۱۵۰ باب؛ کتاب «الفتن و ماجری بعد النبی صلی الله علیه وآله» ۶۲ باب؛ کتاب «تاریخ ائمه» ۲۹۷ باب (مجلّدات ۹-۱۳ که جلد اخیر را کتاب «الغیبه» نامیده است)؛ کتاب «السماء والعالم» ۲۱۰ باب؛ کتاب «الایمان و الکفر» ۱۰۸ باب (در آغاز این کتاب گفته است که ابواب راجع به «العشرة» را در کتاب مستقل دیگری خواهد آورد که شامل ۱۸۰ باب است)؛ کتاب «الآداب والسنن والاوامر والنواهی و الکبائر والمعاصی» ۱۳۱ باب؛ کتاب «الروضة» ۷۳ باب (شامل مواعظ و حکم و خطب)؛ کتاب «الطهارة والصلوة» ۲۲۱ باب؛ کتاب «القرآن والدعاء» ۲۶۱ باب؛ کتاب «الزکاة والصوم» ۱۲۲ باب (ابواب راجع به خمس و اعتکاف و اعمال السنة را نیز در این کتاب آورده است)؛ کتاب «الحج» ۸۴ باب شامل حج و جهاد و رابطه و امر به معروف و نهی از منکر؛ کتاب «المزار» ۶۴ باب؛ کتاب «العقود و الایقات» ۱۳۰ باب؛ کتاب «الاحکام» ۴۸ باب؛ کتاب «الاجازات» (شامل اساتید و طرق مؤلف و نیز اجازات علما به شاگردان و معاصرانشان).

مؤلف، موضوعات را بر اساس عناوین و ترتیب موضوعات کتب اخبار و کلام و فقه و تاریخ تقسیم بندی کرده (قس الکافی در ابواب مشابه) و با توجه به موضوع اصلی کتاب، که حدیث است، افتخای جذیدی برای تحقیق گشوده است؛ برای مثال مباحث کلامی إحباط و تکفیر و ارزاق و آجال یا آنچه در ابواب گوناگون «السماء والعالم» آمده و احادیث آنها نقل و بررسی

شده، امکان دستیابی به دیدگاههای کلامی مبتنی بر منابع اولیه دین (قرآن و خصوصاً حدیث)، و نیز بررسی انتقادی و مقایسه تطبیقی آرای کلامی با بیانات دینی را فراهم آورده است. همچنین گردآوری احادیث ناظر بر یک موضوع در یک جا در فهم مرادات آنها مؤثر بوده، و به علاوه، تعارض احتمالی بین نقلهای مختلف نیز نشان داده شده است (برای مثال - ج ۹۷، ص ۱۲۷). شرح و بیان مجلسی در این مقولات، یکی از نمونه های خوب همین گونه تحقیقات است. با اینهمه در برخی از کتابهای بحار عنارینی دیده می شود که بستگی مستقیم به موضوع ندارد و در آثار مشابه دیگر، ذیل موضوع دیگری مطرح شده است. از آن جمله است: ابوابی از علوم حدیثی و قواعد فقهی و اصولی مذکور در کتاب «العلم»، ابطال التناسخ مذکور در کتاب «التوحید»، مباحث کلامی آجال، وعد و وعید و حیط و تکفیر، احکام راجع به تکلیف، علل احکام و شرایع، علت آفرینش انسان، مذکور در «ابواب العدل»، طاعون و فرار از آن مذکور در «ابواب الموت»، داستان برخی اشخاص و اقوام و سلاطین، مذکور در کتاب «النّبوة»، وقایع دوران حکومت امیرمؤمنان علی علیه السلام و احکام فقهی بُغاة، مذکور در کتاب «الفتن» (مجلّد هشتم طبق تقسیم بندی مؤلف)، ابوابی چون علم نجوم و احکام فقهی آن، سعد و نحس ایّام، یسحر، رؤیا، مداوا یا اشیای حرام از نظر فقهی، حقوق حیوانات (حقّ الذّاتة علی صاحبها)، احکام صید و ذبائح، آداب الأکل و لواحقها، الاشربة و آداب الشّرب، مذکور در کتاب «السماء والعالم»، مباحث فقهی راجع به حدود در کتاب «الآداب والسنن».

۳) منابع. هدف اصلی مؤلف، چنانکه نقل شد، گردآوری و تدوین موضوعی اخبار شیعه امامیه بوده و به این منظور شمار زیادی از اصول و کتب و رسائل معتبر یا منسوب به ائمه علیهم السلام و اصحاب ایشان و علمای امامیه (و بندرت، برخی غیرامامیان یا افراد مورد شک) را مبنا قرار داده (منابع متن)، ولی در شرح و بررسی اخبار و آیات، منابع زیادی از قبیل کتب لغت، تاریخ، کلام، فلسفه، اخلاق، کتب حدیثی عامّه و شروح آنها (منابع شرح) را به کار گرفته است. او فصل اول مقدمه (ج ۱) را به معرفی این دو نوع مأخذ اختصاص داده و در فصل دوم، میزان اعتماد خود را به منابع متن بیان کرده است.

الف) منابع متن. مجلسی ۳۶۵ کتاب و رساله، اعم از حدیث و تفسیر و کلام و تاریخ و فقه و دعا و اجازات، را با ذکر مؤلفان آنها نام برده است. این کتابها از قرن اول تا زمان مؤلف (قرن یازدهم) نوشته شده اند؛ مانند کتاب سلیم بن قیس هلالی، رساله توحید مفصل، کتب صدوق، المقالات والفرق سعدبن عبدالله قمی، کتب کلامی خواجه نصیرالدین طوسی و کتب فقهی محقق کرکی. همچنین در آخر فصل سوم مقدمه (ج ۱)،

شیخ طوسی نیز به همه روایات کتاب وثوق کامل نداشته است (ج ۱، ص ۳۲)؛ یا درباره قرب الأسناد با آنکه به ابوجعفر محمد بن عبدالله حمیری منسوب بوده، گمان قوی دارد که این کتاب تألیف پدر اوست (ج ۱، ص ۷)؛ نیز - آقا بزرگ طهران، ج ۱۷، ص ۶۷-۶۸ که شواهدی بر درستی این نظر آورده است؛ یا مشارق الانوار بؤسی را حاوی مطالب غلوآمیز و آمیخته‌ای از درست و نادرست می‌داند و فقط مطالبی از آن را که با روایات موجود و اصول معتبر شیعه سازگار است، نقل می‌کند (ج ۱، ص ۱۰). درباره تحف العقول اشاره می‌کند که این کتاب، چون شامل مواعظ و مسلمات اخلاقی است، مرویات آن به سند نیاز ندارد (ج ۱، ص ۲۹). این نظر را درباره طب الائمه، که آن را برخلاف شهرتش هم‌رتبه منابع معتبر نمی‌داند، نیز مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که اصولاً در دعاها و روایات طبّی به سند قوی نیاز نیست (ج ۱، ص ۳۰). در شمار این منابع به چند کتاب غیر شیعی از جمله شهاب الاخبار نیز اشاره شده و مجلسی علل نقل مطلب از آنها را بازگو کرده است. همچنین در این فصل (ج ۱، ص ۲۶-۴۶)، نسبت به موثق بودن نسخه‌های کتب، با توجه به وجاهه^{۱۰} ای بودن بسیاری از آنها، قرائنی را - مثلاً قدمت نسخه‌ها و نشانه‌های دالّ بر خوانده شدن آنها بر مشایخ و وجود اجازاتی از مؤلف یا دیگران در آنها و کتابت نسخه به خط خود مؤلف یا علمای مشهور - ارائه کرده است که از این شمار است: اکمال‌الدین صدوق و قرب الاستاد حمیری، اسالی شیخ طوسی، تحف العقول ابن شعبه حرّانی، المستدرک ابن بطریق، اصل زید الزّراد (نیز - ادامه مقاله). این نکته نیز شایان دقت است که تعدادی از کتب مأخذ بحار، تنها به یاری این تألیف حفظ شده‌اند و برخی دیگر نیز، اگرچه نسخه‌های متعددی از آنها موجود بوده، مجلسی غالباً نسخه‌های معتبر و متقدم را در اختیار داشته است. محدث متنبّح، حاج میرزا حسین نوری (متوفی ۱۳۲۰) در تدوین مستدرک الوسائل با آنکه بر بسیاری از منابع حدیثی دست یافته بود، در معرفی مأخذ خود، از چند کتاب نام برده که مطالب آنها را، به دلیل عدم دستیابی به خود آنها، از بحار نقل کرده است (مستدرک، ج ۳، ص ۲۹۱)؛ همچنانکه محدث معاصر مجلسی، حرّعاملی (متوفی ۱۱۰۴) - که هردو به یکدیگر اجازه روایت داده‌اند (حرّعاملی، وسائل، ج ۲۰، ص ۵۱؛ مجلسی، ج ۱۰۷، ص ۱۰۳-۱۰۶) - در وسائل الشیعه و اثبات الهداة به منقولات او اعتماد کرده و در صورت دسترسی نداشتن به برخی از کتب، از بحار نقل کرده است (بهبودی، ص ۲۳؛ پانویس؛ حرّعاملی، اثبات، ج ۳، ص ۵۸۱-۵۸۶). دیگر آنکه، در نامه یادشده تصریح می‌شود که مجلسی علاوه بر کتب و رسائل، احادیث زیادی را از خط بزرگانی چون ابن العلقمی و شیخ بهایی و شهید اول نقل

ص ۴۸) تصریح کرده که قصد نقل احادیث کتب متواتر خصوصاً کتب اربعه شیعه را، مگر در بعضی جاها، ندارد؛ زیرا ممکن است به مهجور و منسوح شدن آن کتب بینجامد و این روا نیست (درباره کتب مشهور و متداول رجال و فهرست نیز شبیه این نکته بیان شده است - ج ۱۰۲، ص ۱۹۳-۱۹۹). هرچند به گفته یکی از شاگردان و همکاران - که مجلسی او را «بعض ازکیاء تلامذتنا» نامیده - کسانی به وارد کردن احادیث کتب اربعه معتقد بوده‌اند. همو در نامه‌ای به مؤلف، ضمن اشاره به نکته اخیر، نام چند کتاب را که در بحار از آنها استفاده شده، ذکر کرده است (درباره این نامه و نویسنده آن - مجلسی، ج ۱۰۷، ص ۱۶۵-۱۷۹، «خاتمه فیها مطالب عدیده»؛ حسینی، ص ۳۴، ش ۲۵). بنابراین، مأخذ نوع اول مجموعاً بالغ بر چهارصد است. نوری چند کتاب را نام برده که نام آنها در مقدمه آمده ولی در متن به آنها استناد نشده است (الفیض القدسی، ص ۶۰-۷۵). مجلسی در صحت انتساب این کتابها به مؤلفان آنها بحث کرده، بعلاوه میزان اعتماد خود را بر نسخه‌های فراهم شده از آن کتب و چگونگی نقل مطلب از آنها را بیان کرده است، و در فصل سوم (ج ۱، ص ۴۶-۴۸)، علایم اختصاری (الرموز) کتابهایی را که چندین بار از آنها نقل مطلب کرده، ارائه نموده است. بحثهای او پیرامون مؤلفان برخی کتابها، مانند قرب الاستاد، روضة الواعظین، عیون المعجزات، فقه الرضا، دعائم الاسلام، طب الائمه، جامع الاخبار و مصباح الشریعة، مقدار مطابقت محتوایی برخی از آنها با عقاید شیعی مانند مشارق الانوار و الالفین حافظ برسی^{۱۱}، تنبیه الخاطر و زام بن عیسی و عوالی اللثالی (یا عوالی اللثالی) ابن ابی‌جمهور احسایی، روش نقل اخبار از نظر اسناد و ارسال و ضعف یا قوت طرق در برخی دیگر مانند تحف العقول، وقعة صفین و تفسیر فرائد، بی‌نیازی از برخی به دلیل اخذ مطلب از منابع مقدم و معتبر مانند ربیع الشیعه و کتب قاضی نورالله شوشتری، یادآوری روش خود در نقل روایات از کتابهایی چون مشارق الانوار و عوالی اللثالی، و نیز تحقیق در مذهب برخی مؤلفان کتب مثل قاضی نعمان مصری و ابواسحاق ثقفی، صاحب الفارات، اطلاعات سودمند رجالی و کتابشناختی به دست می‌دهد؛ مثلاً می‌نویسد که مؤلف دعائم الاسلام قاضی نعمان مصری است نه شیخ صدوق، بعلاوه به استناد محتوای کتاب و قرائن دیگر ادعا می‌کند که او شیعه امامی بوده و نه اسماعیلی (ج ۱، ص ۳۸)؛ یا درباره مصباح الشریعة که منسوب به امام صادق علیه‌السلام است و دانشمندانی چون سید علی بن طاووس نسبت به آن با دیده احترام و تقدیر می‌نگریسته‌اند (ج ۱، ص ۱۵)، تردید خود را مطرح می‌کند و عدم مشابَهت مطالب و روش آن با سایر کلمات امامان را قرینه‌ای بر سلب این نسبت می‌گیرد و اشاره می‌کند که

کرده (الاحادیث الوجداتیات) و احادیثی را نیز به طریق اجازه (الاحادیث الاجازاتیات) و سماع (الاحادیث المسموعة) از پدر خود و دیگران آورده است (ج ۱۰۷، ص ۱۷۳).

ب) منابع شرح. مؤلف بعد از اتمام برخی مجلدات بر آن شده است که تفسیر آیات هر باب را بنویسد و این کار را جز برای دو مجلد اول، به انجام رسانیده و به همین سبب، شماری از مجلدات به دو صورت با تفسیر و بی تفسیر منتشر شده است (نوری، الفیض القدسی، ص ۳۷). این قسمت را در هر باب با عنوان «التفسیر» مشخص کرده است که عمدتاً از مجمع البیان طبرسی و مفاتیح الغیب رازی آورده و به تفاسیر دیگری از جمله انوارالتنزیل بیضاوی، الدر المنثور سیوطی، معالم التنزیل بغوی و الکشاف زمخشری نیز رجوع کرده است. در شرح احادیث که شامل توضیح لغات و اصطلاحات، تفسیر عبارات پیچیده یا مبهم، معرفی مذاهب و فرق، نقل وقایع تاریخی، شرح دیدگاههای کلامی و فلسفی، تبیین مباحث اخلاقی، بررسی آرای فقهی، نقل اخبار از منابع حدیثی عامه در تأیید یا توضیح حدیث و غیره می شود، و در فصول یا فقراتی با عنوان ایضاح، تنویر، تذهیب، تذیل، تکملة، فذلکة، غریبة، أقول، و بیش از همه «بیان» مشخص شده، از مآخذ اصلی هر موضوع استفاده کرده است. مؤلف شمار زیادی از این منابع را در فصل اول مقدمه (ج ۱، ص ۲۴-۲۵) نام برده و نام برخی نیز با مراجعه به متن معلوم می شود. از آن جمله است: صحاح اللغة جوهری، قاموس اللغة فیروزآبادی، معجم مقاییس اللغة ابن فارس، تهذیب اللغة از هری، مجمع الأمثال میدانی و کتاب العین خلیل بن احمد در ادبیات، صحاح سته اهل سنت، جامع الاصول ابن اثیر، المسند احمد بن حنبل، مطالب السؤل و فتح الباری ابن حجر، شرح قسطلانی و شرح کرمانی بر بخاری، شرح تئوی و شرح آبی بر مسلم، الشفای قاضی عیاض و شرح آن در اخبار و شرح آنها، الکامل ابن اثیر، تاریخ طبری، مقاتل الطالبيين ابو الفرج اصفهانی، المنتظم ابن جوزی، عرائس المجالس ثعالبی (معروف به قصص الانبیاء) و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید در مسائل تاریخی، وفيات الاعیان ابن خلکان، الاغانی ابو الفرج اصفهانی و الاستیعاب در تراجم اشخاص، شفا و مبدأ و معاد ابن سینا، التحصیل بهمنیار، القیسات میرداماد، المعبر ابو البرکات (به نقل از شرح المقاصد) در فلسفه، شرح المواقف جرجانی، شرح المقاصد تفتازانی، المحصل رازی، نقد المحصل طوسی، شرح العقاید محقق دوانی در کلام، احیاء العلوم غزالی در مباحث اخلاقی (مجلسی در توضیح موضوعات اخلاقی به بیانات غزالی توجه بسیار داشته و گاه چند صفحه از نوشته های او را عیناً یا با اندکی تغییر آورده است؛ هرچند غالباً نام او را ذکر نکرده و از او به «بعض المحققین» یاد کرده است؛ برای نمونه -

ج ۶۸، ص ۳۱۹، ج ۶۹، ص ۲۶۶-۲۷۷، ۳۰۸-۳۰۹، ج ۷۰، ص ۲۵-۳۶، ۱۴۸-۱۵ و نیز - غزالی، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۲۵، ۲۷۸-۲۷۹، ۲۹۰-۳۰۲، ۳۶۰، ج ۴، ص ۴۱۲-۴۱۳)، قانون ابن سینا، قانون مسعودی ابوریحان بیرونی، شرح تذکرة بیرجندی، الجامع ابن بیطار (معروف به مفردات)، علل الاشیاء بلیناس، حیاة الحیوان دمیتری، عجایب المخلوقات قزوینی، کتاب النبات ابوحنیفة دینوری در بابهای مختلف مجلد «السماء والعالم»، ترجمه عربی تورات و انجیل و نیز فقراتی از تورات عبری (- ج ۱۰۷، ص ۱۷۲) در تاریخ انبیا و تاریخ پیامبر اسلام، صلی الله علیه وآله وسلم مؤلف بعد از ذکر نام کتابها، افزوده است که در پایان بحار درباره این کتابها و مؤلفان آنها و احوالشان بتفصیل سخن خواهد گفت، ولی چنین کاری نکرده است. البته گاهی، بمناسبت، به برخی نکات اشاره کرده (ج ۶، ص ۲۱۴، ج ۱۴، ص ۱۵۹، ج ۳۲، ص ۳۷)؛ همچنانکه درباره اجازات خود از شماری از این کتب، خصوصاً کتب حدیث، اطلاعاتی داده است. مثلاً در اجازه های که برای یکی از شاگردان خود نوشته، تصریح کرده که طرق اجازه اش به مؤلفان کتابها بسیار است و سپس قویترین طریق را نقل کرده است (ج ۱۰۷، ص ۱۵۶). همچنین صورت اجازه بزرگانی از علمای معاصر خود را که برای او نوشته اند آورده؛ مانند مولی محمد طاهر قسی که اجازه نقل تمام مرویات خود را، اعصم از قرائت و سماع و اجازه، به وی داده است. در این اجازه، که به بزرگان علمای شیعه می پیوندد، نام کسانی چون ابن قولویه، علامه حلی، فخرالمحققین، شهید ثانی و صاحب معالم حسن بن زین الدین دیده می شود (ج ۱۰۷، ص ۱۲۹-۱۳۱). اجازه شیخ حر عاملی (ج ۱۰۷، ص ۱۰۴)، مولی محسن فیض کاشانی (ج ۱۰۷، ص ۱۲۴) و میرزا محمد استرآبادی (ج ۱۰۷، ص ۱۲۵-۱۲۸) نیز در شمار این اجازات آمده است. او همچنین سلسله اسانید خود را به برخی از آثار مهم نقل کرده یا مشخصات نسخه مستند خود را آورده است؛ از آن جمله است صحیفة سجّادیه (ج ۱۰۷، ص ۱۶۴، برای تفصیل بیشتر - ج ۱۰۴-۱۰۷).

۴) روش نقل مطالب. پایبندی مؤلف به ذکر مآخذ مطالب متن و شرح، در سراسر کتاب مشهود است و حتی در نقل مسموعات از معاصران و استادان نیز این شیوه را ترک نکرده است. برای مثال، در شرح عبارتی از یک حدیث می گوید: «و قد أجاب بعض من عاصرناه». به طور کلی می توان گفت که مجلسی بسندرت از معاصران خود نام برده (برای مثال - ج ۵۶، ص ۱۱۹) و به آنها به صورت «بعض المعاصرين»، «بعض الازکیاء»، «بعض المحققین من المعاصرين»، «بعض الافاضل المدققین من کان فی عصرنا» و «بعض من عاصرناه» اشاره کرده؛ همچنانکه نام برخی دیگر از قدما را نیز به عللی، مگر

بندرت، نیاورده است (از غزالی، فیض کاشانی و مولی رفیعا با عناوین بعض المحققین و بعض الافاضل یاد می‌کند. برای مثال - ج ۱، ص ۱۰۱، ج ۲، ص ۲۸۴، ج ۴، ص ۵۶، ۱۲۸-۱۲۹، ج ۵۷، ص ۱۴۹). اما درباره احادیث متن، گذشته از ذکر مأخذ، سند حدیث را برای اجتناب از ارسال (- انتقاد او از ناسخ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸) آورده و اختلافات سند و متن را در مأخذ مختلف نشان داده (ج ۱، ص ۴۶) و گاهی نظر ترجیحی یا اصلاحی خود را اظهار کرده است (برای نمونه - ج ۵، ص ۵۳، ج ۷، ص ۱۳۱، ۱۹۲، ج ۱۴، ص ۱۹۳). با اینهمه، به منظور احتراز از تطویل، برای راپیان و گاهی برای یک سند نام اختصاری تعیین کرده و آنها را در فصل چهارم مقدمه (ج ۱، ص ۴۸-۶۱) کاملاً توضیح داده است. البته در مباحث فقهی، به دلیل احتیاط زیاد، نام مأخذ و نیز سند را به همان صورت اصلی ذکر کرده است. همچنین شماری از احادیث را از نظر سند و متن بررسی کرده و غریب بودن مضمون یا ضعف طریقی یا ناسازگاری آنها با مقبولات و مسلمات دینی و غیره را یادآوری کرده است (برای نمونه - ج ۶، ص ۲۶۶، ج ۷، ص ۲۲۱، ج ۱۴، ص ۳۷۰، ج ۵۴، ص ۱۰۴، ۳۴۱، ۳۴۹، ج ۵۵، ص ۳۳۵، ج ۵۷، ص ۱۲۱، ج ۶۳، ص ۲۸۰). «بیان»های مجلسی درباره برخی احادیث و دلیلی که بر لزوم ذکر سند آورده و قراین دیگر، نشان می‌دهد که او تمام مرویات موجود در متون حدیثی را قطعی یا ظنی الصدور نمی‌دانسته، و هرچند از نفی شتابزده یا مبتنی بر آرای غیر قطعی احتراز داشته، برای قبول حدیث نیز ملاک‌هایی را به کار می‌گرفته است. کوشش او در دستیابی به نسخه‌های معتبر و قدیم به همین دلیل بوده و تصریح او به وقوع اضافات، تحریف، تصحیف یا افتادگی در عبارات، از همین دیدگاه ناشی شده است. برای نمونه، سخن مجلسی (ج ۹۵، ص ۲۲۷) را در توضیح دعای عرفه، با مناجات‌های ابن عطاءالله اسکندرانی (زروق، ص ۴۴۸-۴۷۳) مقایسه کنید. ذکر مأخذ در بحار سبب سهولت دستیابی به منابع اصلی، و احیاناً مقایسه اصل با فرع، است، چنانکه مصححان چاپ جدید به تعداد زیادی از آنها مراجعه کرده‌اند.

۵) دیدگاه‌های علمی مؤلف. مجلسی چنانکه خود تصریح کرده، یگانه خاستگاه علم را قرآن و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانسته و معتقد بوده است که استنباط یقینی حقایق قرآن جز برای ائمه دین ممکن نیست، و همین اعتقاد زمینه تدوین بحار را فراهم کرده است (ج ۱، ص ۳). این دیدگاه در سراسر کتاب پرورشی دیده می‌شود و تاحدودی سبب هماهنگی جهت‌گیریها و یکسانی تعبیرات و استقلال رأی مؤلف شده است. دفاع او از آرای امامیه و تبیین آنها در صورت لزوم و پاسخگویی به اعتراضات، و نیز انتقاد از دانشمندانی که

مطالب نادرستی درباره شیعه مطرح کرده‌اند، در ابواب مختلف کتاب دیده می‌شود. مؤلف کوشیده است دیدگاه‌های شیعه امامیه را، در مسایل اعتقادی و فقهی و حدیثی و ... با مضامین احادیث تطبیق دهد، اما اگر لازمه این کار تأویل بدون دلیل حدیث یا مخالفت با شماری از احادیث باشد، از آن احتراز کرده و چه بسا آرای دانشمندان اهل سنت را ترجیح داده است (- مجلدات «توحید»، «عدل و معاد»، «ایمان و کفر»؛ از جمله ج ۱، ص ۸۵، ۱۲۴، ج ۳، ص ۱۴۴، ۲۳۱-۲۳۴، ج ۴، ص ۲۸-۳۳، ۶۲، ۱۳۷، ج ۵، ص ۴۳، ۲۲۳-۲۲۴، ۳۳۲، ج ۶، ص ۱۱۰، ۳۲۶). با اینهمه، اصرار او بر تطبیق روایات ناظر بر اراده خدا بر آنچه متکلمان امامیه گفته‌اند شایان دقت است (ج ۴، ص ۱۳۷؛ و نقد طباطبایی بر آن در پانویس همان صفحه). همچنین شماری از قواعد اصولی و فقهی قابل استنباط از روایات را در یک باب (ج ۲، ص ۲۶۸-۲۸۳) گردآورده و در برخی از بابها نیز به مبانی اصولی، و احیاناً نظر مخالف خود با رأی مقبول و مشهور اشاراتی کرده است (ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷، ج ۴، ص ۲۹-۳۰، ج ۶۳، ص ۵۴۲). در بررسی احادیث، همان شیوه‌های معمول را به کار گرفته و نسبت به احادیث وجّاده‌ای و مکاتبه‌ای، در صورت وجود قراینی بر صحت انتساب، عمل به آنها را روا شمرده (ج ۲، ص ۱۵۸-۱۶۸، ج ۵۴، ص ۳۴۱، ج ۵۵، ص ۳۳۵) و درباره لزوم اجازه روایت، خصوصاً برای کتب معتبر و متداول، تردیدهایی را نقل کرده است (ج ۱۰۷، ص ۱۲۷، ۱۲۸). اخبار راویان غیر شیعه را غالباً در مقام تأیید یا احتجاج آورده و از برخی مؤلفان شیعی - که در مباحث اخلاقی و آداب و سنن به این اخبار مراجعه کرده یا آنها را، بدون تفکیک از احادیث امامیه، در کتب خود ذکر کرده‌اند - انتقاد نموده است (مقدمه، فصل اول و دوم، ج ۲، ص ۲۵۶-۲۵۷، ج ۵۷، ص ۱۲۱). البته او، گذشته از بررسی سندی روایات، در بازشناسی محتوایی آنها نیز اهتمام بسیار داشته و آن را در قبول یا رد روایات به کار گرفته است، همچنانکه در فهم مراد روایات نیز به همین اصل توجه داشته است (برای مثال - ج ۹۷، ص ۱۲۷). مجلسی در این کتاب به فلاسفه، خصوصاً فلاسفه مسلمان به دلیل اعتماد بیش از اندازه به عقل و استناد به مبانی ظنی و نیز عدم توجه کامل به ارشادات دینی یا تکلف در تطبیق یافته‌های فلسفی بر تعبیرات دینی، بی‌مهر بوده است (برای نمونه - ج ۱، ص ۱۰۱، ۱۰۳، ج ۴، ص ۸۷، ج ۷، ص ۴۷، ج ۵۴، ص ۲۳۱، ۲۵۱، ج ۵۶، ص ۲۰۲، ج ۵۷، ص ۱۹۵-۱۹۹). وی با اینهمه در تبیین عبارات احادیث، خصوصاً در مجلد «السماء و العالم» از تعبیرات و دیدگاه‌های فلسفی و مفاهیم علمی مدد گرفته (برای نمونه - ج ۳، ص ۲۳۱، ۲۵۸، ج ۴، ص ۴۲، ج ۱۴، ص ۳، ج ۵۲، ص ۱۰۲، ج ۵۴، ص ۵، ۳۵۴، ج ۵۶، ص ۳۳۱) و اگر در برخی

تصریح کرده، یگانه خاستگاه علم را قرآن و اخبار اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانسته و معتقد بوده است که استنباط یقینی حقایق قرآن جز برای ائمه دین ممکن نیست، و همین اعتقاد زمینه تدوین بحار را فراهم کرده است (ج ۱، ص ۳). این دیدگاه در سراسر کتاب پرورشی دیده می‌شود و تاحدودی سبب هماهنگی جهت‌گیریها و یکسانی تعبیرات و استقلال رأی مؤلف شده است. دفاع او از آرای امامیه و تبیین آنها در صورت لزوم و پاسخگویی به اعتراضات، و نیز انتقاد از دانشمندانی که

احادیث، عباراتی صریح یا تلویحی در تأیید آرای فلسفی یا سازگار با آنها دیده از ذکر آن ابا نداشته، اگرچه خود نظر مخالف را ترجیح داده است (برای نمونه - ج ۳، ص ۳۲۱، ج ۶، ص ۲۳۲، ج ۵۸، ص ۱۰۴، ج ۶۱، ص ۸۰)؛ همچنانکه از برخی از فلاسفه، خصوصاً میرداماد و خواجه نصیرالدین طوسی، با احترام نام برده و نسبت دادن کفر را به فلاسفه مسلمان، به خاطر داشتن آرای مخالف با ظواهر روایی، نهی کرده است (ج ۵۸، ص ۱۰۴: *فَمَا يَحْكُمُ بِهِ يُغْضُّهُمْ مِنْ تَكْفِيرِ الْقَائِلِ بِالتَّجَرُّدِ افراط و تهكّم*). در اشاراتی که بمناسبت به صوفیه کرده، روش آنان را در دریافت حقایق تعبیرات علمی نپسندیده و از مراسم عبادی آنان انتقاد کرده است (ج ۱، ص ۲۰۲، ج ۵۰، ص ۹۴، ج ۵۴، ص ۹۸، ۹۹، ۳۲۱، ۳۵۱، ۳۵۴، ج ۵۸، ص ۸۴)؛ همچنانکه با تصریح به مقامات علمی و الهی ائمه شیعه، غلو درباره آنان یا نسبت دادن مقاماتی بدون مستند نقلی به ایشان را بر نرفته است (ج ۱، ص ۱۰، ج ۱۰، ص ۲۵، ج ۲۶۱-۳۵۰). این نکته را نیز بارها یادآوری کرده که فهم کامل همه آیات و احادیث برای ما ممکن نیست، ایمان اجمالی به آنچه از اولیای دین رسیده کافی است و نباید بدون دلیل دست به تأویل آنها زد (*أَوَّلُ الْإِلْحَادِ سَلُوكُ التَّأْوِيلِ مِنْ غَيْرِ دَلِيلٍ*) یا آنها را کنار گذاشت (ج ۵، ص ۲۶۱، ج ۶، ص ۲۰۰-۲۰۱، ج ۷، ص ۱۳۰، ج ۵۴، ص ۳۶۳، ج ۵۵، ص ۳۳، ج ۴۷، ص ۵۷، ج ۱۴۹ و مواضع دیگر). به برخی از دانشمندان امامیه نیز به خاطر رعایت نکردن این نکته اعتراض کرده است (ج ۵، ص ۲۶۷، ۳۳۲، ج ۶، ص ۲۰۲-۲۰۱، ج ۷، ص ۱۲۸-۱۳۰، ۲۵۱-۲۵۳، ج ۸، ص ۷۱، ج ۱۲، ص ۳۵۵ و مواضع دیگر).

۶) نوشته‌های وابسته به بحار. علاوه بر تأثیر بحار در بیشتر آثار بعدی امامیه (الذریعه)، از جمله در تألیفات متأخر مؤلف (ایرانیکا، ذیل «بحارالانوار»)، بر برخی مجلدات آن شرح و حاشیه نوشته شده، برخی دیگر تلخیص شده، چند مجلد به فارسی و اردو ترجمه شده، و برای چند مجلد ملحقات و مستدرک و چند فهرست تهیه شده است. کتابهای دیگری نیز وابسته به بحار (مثلاً الشافی فی الجمع بین البحار والوافی) تألیف شده است. نوری و آقابزرگ طهرانی و مصلح‌الدین مهدی شماری از این آثار را، که با حذف مکررات بر پنجاه بالغ می‌شود، فهرست کرده‌اند (نوری، *الفيض القدسی*، ص ۵۵-۶۰؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۲۶-۲۷، ج ۴، ص ۸۲-۸۳، ج ۶، ص ۲۷، ج ۲۱، ص ۴-۷؛ مهدی، ج ۲، ص ۲۷۴-۳۱۶). اگر بر این رقم، ترجمه‌های اخیر مجلدات تاریخ ائمه (مثلاً مهدی موعود ترجمه مجلد سیزدهم با اضافات) و چند فهرست (مانند المستدرک علی سنیة البحار، التطبيق، معجم ابواب البحار، میزان الحکمة که کتاب اخیر براساس بحار و چند کتاب دیگر

تدوین شده، المختار من مقتل بحارالانوار) را بیفزاییم و حواشی متقدانه طباطبایی بر برخی مجلدات بحار (درباره این حواشی - حسینی تهرانی، ص ۳۵-۳۶) را نیز در نظر بگیریم، عدد آنها به حدود شصت می‌رسد که در این میان از همه مشهورتر و کارآمدتر سنیة البحار حاج شیخ عباس قمی* است. در حال حاضر نیز، با استفاده از رایانه، چند معجم موضوعی و لفظی برای احادیث بحار تهیه شده است، که منبع اطلاعات کاملی درباره شماره احادیث، مکررات و چگونگی توزیع موضوعی آنها است.

۷) اظهارنظرها. چنانچه اشاره شد، بحارالانوار از همان زمان تألیف مورد توجه و غالباً مقبول بوده است. تعبیرات و تصریحات بسیاری از مؤلفان نشانه تقدیر از این کتاب عظیم است که لااقل از نظر اشتغال بر بیشتر یا تمام مرویات شیعه امامیه نظیر ندارد و در میان شیعه، جامع حدیثی دیگری هم‌ردیف آن نوشته نشده (اردبیلی، ج ۲، ص ۵۵۰-۵۵۲؛ کنتوری، ص ۷۶-۸۱؛ نوری، *الفيض القدسی*، ص ۲۸؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۳، ص ۱۶، حسینی تهرانی، ص ۳۵) و درحقیقت، دایرة المعارف شیعه است (فرید، ص ۵۵). بعلاوه، به نظر حر عاملی (*امل الامل*، ج ۲، ص ۲۴۸)، موضوع‌بندی نیکو و نیز شرح مشکلات اخبار، از خصوصیات بارز این کتاب است. نوری (*دارالسلام*، ج ۲، ص ۲۳۷) و آقابزرگ طهرانی (همانجا) نیز بر این نکته که مجلسی در بحار به شرح و بیان احادیث، و چه بسا تهذیب و تحقیق درباره آنها، پرداخته توجه داده و گفته‌اند که بسیاری از نکات آن در کتابهای دیگر یافت نمی‌شود (- بخشهای پیشین مقاله). گویا همین ویژگیها، و نیز احاطه مؤلف بر حدیث و توانایی او در شناخت صحیح از سقیم، سبب شد که کتاب منزلت برتری داشته باشد و حتی برخی اخباریان از اعتبار تمام مرویات آن سخن بگویند (بحرانی، ج ۱، ص ۲۵)؛ تا آنجا که عبدالعزیز دهلوی (ص ۱۰۸) در سخن اغراق‌آمیزی گفته: از روایات سابقه، آنچه او بر محک امتحان زده و کامل‌العیار خوانده نزد ایشان (= علمای امامیه) حکم وحی دارد. با اینهمه برخی از علما از جهاتی نسبت به آن انتقاد داشته‌اند که یکی وجود روایات ضعیف و چه بسا نادرست در این جامع حدیثی، و دیگری وجود برخی شرحهای حدیثی در آن است. از جمله سیدمحسن امین عاملی (ج ۹، ص ۱۸۳) معتقد بوده که این کتاب با توجه به فراهم آمدن از روایات غث و سمین به تهذیب نیاز دارد و «بیان‌های مجلسی بر احادیث برسبیل استعجال نوشته شده و ازینرو کم فایده شده است. طباطبایی نیز معتقد بوده که مجلسی بر مباحث فلسفی احاطه کافی نداشته و در شرح برخی اخبار غامض دچار خطا شده است (مجلسی، ج ۱، ص ۱۰۰، ۱۰۴).

منتشر شده است. قسمتهایی از جلد های منتشر نشده (۲۹-۳۴) نیز اخیراً تصحیح و چاپ شده است (سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی). مؤسسه آل البیت در قم نیز شماری از مآخذ بحار را که نسخه های آن به دست آمده با عنوان کلی «سلسله مصادر بحار الانوار» منتشر کرده است. با این همه، ضروری است که بحار الانوار با چاپ مصحح و منقحی عرضه شود. اقدامات اولیه آن نیز صورت گرفته، ولی تاکنون به نتیجه قطعی نرسیده است.

منابع: محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محمد بن علی اردبیلی، جامع الرواة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ محسن امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ یوسف بن احمد بحرانی، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ محمد باقر بهبودی، کلمة موجزة حول الکتاب و مؤلفه، در مجلسی، بحار الانوار، ج صفر، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالله جزایری، الاجازة الکبيرة، قم ۱۴۰۹؛ محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة، چاپ ابوطالب تجلیل تبریزی، قم [بی.نا.]. همو، امل الامل، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش؛ همو، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ احمد حسینی، تلامذة العلامة المجلسی، قم ۱۴۱۰؛ محمد حسین حسینی، طهرانی، مهر تابان، تهران [بی.نا.]. روح الله خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، کشف اسرار، قم [بی.نا.]. محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۲-۱۳۹۰؛ عبدالعزیز بن احمد دهلوی، تحفة اثناعشریة، پاکستان ۱۳۹۶؛ احمد بن احمد زروق، حکم ابن عطاء الله، چاپ عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف، طرابلس غرب [بی.نا.]. احمد زنجانی، الکلام بیچز الکلام، قم ۱۳۲۹ ش؛ محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، قاهره [بی.نا.]. عبدالوهاب فرید، اسلام و رجعت، تهران ۱۳۱۸ ش؛ اعجاز حسین بن محمد قلی کنتوری، کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب والاسفار، قم ۱۴۰۹؛ محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ خانباها مشار، فهرست کتابهای چاپی عربی، تهران ۱۳۴۴ ش، ستون ۱۱۳-۱۱۶؛ مصلح الدین مهدری، زندگینامه علامه مجلسی، اصفهان، ج ۲ [تاریخ مقدمه ۱۴۰۱]؛ حسین بن محمد تقی نوری، دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا والاعمال، قم [بی.نا.]. همو، الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، در مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۲، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳، ص ۲-۱۶۵؛ همو، مستدرک الوسائل، ج ۳، تهران ۱۳۲۱؛

Encyclopaedia Iranica, s.v. "Behār Al-Anwār (by Etan Kohlberg).

/ حسن طارمی /

بُخْتَری، ابو عباده ولید بن عُبَید (الله)، شاعر و مؤلف

برخی نویسندگان (زنجانی، ج ۱، ص ۳۲-۳۴؛ امام خمینی، ص ۳۱۹-۳۲۰) در بیان جایگاه واقعی بحار و انتقاد از دو نظر افراطی (تأیید کامل) و تفریطی (بی ارزش خواندن آن) بر این نکته که هدف اصلی مجلسی در تألیف بحار، حفظ آثار شیعه و گردآوری آنها در یک مجموعه موضوعی بوده است، تأکید کرده و بحار را کتابخانه ای جامع خوانده اند که بالطبع باید همه گونه اثر در آن یافت شود و، البته قضاوت درباره محتوای آن و نیز استفاده از آن، مانند هر کتابخانه دیگر، شرایط خاصی دارد. عبدالوهاب فرید (ص ۵۵) نیز شبیه همین نظر را مطرح کرده و گفته است که هدف مجلسی جمع و تدوین همه احادیث و آثار ائمه بوده و در این کار قصد انتخاب نداشته است. با این همه باید گفت این نظر که با رأی بیشتر عالمان امامیه هماهنگ است، برای کسی که بحار را می شناسد، معروف تمام غرض مجلسی از تألیف بحار نیست.

۸) انتشار بحار. مجلدات اولیه بحار، همزمان با تدوین نهایی، استنساخ و منتشر شده است و مجلسی همین امر را دلیل بر لزوم تدوین مستدرک و نیفزودن حدیث یا مطلبی به متن می دانست (ج ۱، ص ۴۶). اما از مجلد پانزدهم به بعد، چنانکه گفته شد، پس از وفات مؤلف، مولی عبدالله افندی آن را پاکتویس کرد و سالها بعد منتشر شد. لذا نسخه های آن مانند مجلدات اول رواج نیافت و حتی برخی مجلدات تا اوایل قرن چهاردهم در اختیار نبود. چاپ سنگی کامل و مشهور کتاب در ۱۳۰۳-۱۳۱۵ به همت حاج میرزا محمد حسن امین دارالضرب مشهور به کمپانی و پس از او فرزندش، حاج محمد حسین، با اشراف سید محمد خلیل اصفهانی و چند دستیار، در تهران صورت گرفت. پیش از آن نیز مجلدات پراکنده ای به طبع رسیده بود، از جمله مجلد های اول و دوم در ۱۲۴۸ در هند، مجلد هشتم در ۱۲۷۵، مجلد هفتم در ۱۲۹۴، مجلد نهم در ۱۲۹۷، مجلد های اول و دوم و بیست و دوم در ۱۳۰۱ در تبریز. چاپ دیگر کتاب بر اساس نسخه های خطی و چاپهای پیشین و مراجعه به منابع (البته نه کامل) در ۱۳۷۶-۱۳۹۴ به همت دو ناشر در ۱۱۰ جلد انجام گرفت که سه جلد آن (۵۴-۵۶) فهرست کتاب است و از جلد ۲۹-۳۴ نیز منتشر نشده است. همچنین جنة المأوی (مستدرک مجلد سیزدهم) و الفیض القدسی (شرح حال مؤلف) هر دو تألیف نوری، همچنانکه در چاپ کمپانی، به آن افزوده شده است. چاپ اخیر با وجود زحمت و جدیت مصححان، به خاطر در دسترس نبودن چاپهای انتقادی مآخذ بحار، کاملاً منقح نیست، اما در عین حال، با استقبال روبرو و تجدید چاپ شده است. بعد از ۱۴۰۰، افت همین چاپ با اندکی تغییر (جدا کردن مقدمه مصححان به عنوان جلد «صفر» و انتقال سه جلد فهرست به آخر مجموعه) بارها